

پزشکی و ادبیات

مقدمه

صفحه پزشکی و ادبیات که هر از گاهی در ماهنامه رازی گشوده می‌شود، متعلق به شما همکاران عزیزی است که کار حرفه‌ای، نتوانسته است شما را از پرداختن به کارهای فرهنگی باز دارد. این صفحه به کسانی تعلق دارد که علاوه بر کار پزشکی، دستی نیز بر آتش شعر، طنز، کاریکاتور، نقاشی، قطعه‌های ادبی، داستان و... دارند و علاقمند هستند که این گونه کارهایشان در مجله خودشان، یعنی رازی منتشر شود.

بارها گفته‌ایم و باز هم تکرار می‌کنیم که آغوش رازی همیشه برای کارهای نوشتاری و تصویری شما از هر نوعی که باشد، گشوده است. اگر رازی را از خودتان می‌دانید که می‌دانید، دست ما را برای کارهای فرهنگی تان خالی نگذارید.

همکار خوبمان آقای دکتر مجتبی خلیقی‌نژاد که گاهی برای مجله اشعاری ارسال می‌دارند، این بار به مناسبت ماه محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر و ماه قیام حسین بن علی (ع) که الگویی برای تمامی تاریخ است، سروده‌ای را برایمان

ارسال داشته‌اند که اگر چه به دلیل کثرت مطالب، چاپ آن کمی دیر شده است، لیکن همان گونه که عاشورا و کربلا و محرم همیشه تازه و زنده است، شعر حسین (ع) نیز همیشه تازه است و زمان، شادابی و تازگی آن را از بین نخواهد برد. در یک کلام، شعری که در رثای قیام سالار شهیدان سروده می‌شود مربوط به یک مقطع زمانی خاص نبوده و برای همیشه تاریخ است. البته شعر دیگری نیز تحت عنوان «آزادی» سروده‌اند که این روزها قرائت‌های متفاوتی از آن می‌شود. اگر چه به نام «آزادی» در طول تاریخ فجایی صورت گرفته و می‌گیرد، آزادی در جمهوری اسلامی، آن چیزی است که در پناه دین و اسلام معنی و مفهوم می‌یابد.

به هر صورت امیدواریم که همکاران دیگرمان نیز در این راه ما را یاری رسانده و با ارسال کارهای فرهنگی خود، چراغ صفحه پزشکی و ادبیات را همیشه در رازی روشن بدارند.

با هم اشعار خوب همکارمان آقای دکتر مجتبی خلیقی‌نژاد را می‌خوانیم.

سردبیر

یا حسین (ع)

راه سزفت عالمی را که طغیان می کند
نفت آبیخ انسان اکل انشان می کند
یاد تو بشوی به پا در حبس ایران می کند
عالمی را راه پاک تو گهستان می کند

پوچهر بر عسک و پیام حسین (ع)

جان جسم، در راه ایانم حسین (ع)

این دل دیران از حق حسین آبا شد
تشنه کایمسی ای او در کبلا فریاد شد
جوشی از شور عشق در محبان ایما شد
در قیام شاه دین کاج خستم بر باد شد

پوچهر بر عسک و پیام حسین (ع)

جان جسم، در راه ایانم حسین (ع)

جان نشا در راه تو کز د مردان خدا
یا حسین بن علی ای مسبر ابل دلا
مژغذا بر کس نند اسرار شقت برلا
ربروان را کشتی نومی و مصباح الهدی

پوچهر بر عسک و پیام حسین (ع)

جان جسم، در راه ایانم حسین (ع)

در کسرم از غم تو سینه با سوزان شود
در دل عشاق تو دریا صفت طوفان شود
دل زداغفتاب کرد چشم با کریان شود
آنگار از سوز شقت در غم نجبان شود

پوچهر بر عسک و پیام حسین (ع)

جان جسم، در راه ایانم حسین (ع)

کچه از نوک تو در غم جان عالم می شود
از تو اسباب شادست با فرام می شود
این دل بازنده از ناست دایم می شود
انقلابی در محبان از بر عسرم می شود

پوچهر بر عسک و پیام حسین (ع)

جان جسم، در راه ایانم حسین (ع)

جان من در راه شقت خاک می کردم
من به عشق کبلاست بزم جان جهان
چون یکی از صد هزاران عاشقت ای جانم
رشته عسرم تو بوده از ازل بر کردم

پوچهر بر عسک و پیام حسین (ع)

جان جسم، در راه ایانم حسین (ع)

چون غلغلی اذغت سودای غوغت بر سرم
خاک رباست می شرم ای عشق رویت ختم
خون نمود سپردم بر شمشیر باشد با دم
چون شقت را بدول دارم به عالم سردم

پوچهر بر عسک و پیام حسین (ع)

جان جسم، در راه ایانم حسین (ع)

بکرمت غلغلی نود

آزادی

جان و سرکن فدای آزادی
 قدرت دیو بست استبداد
 محو کردد، فساد و کمرای
 می کند، حسد بزر بدبختی
 چشم باز است و کوشا شنا
 خلق باید کند ز راه عمل
 ره خوشبختی و سعادت ما
 بس جلال و شکوه و فراداد
 بهر آزادی وطن بنا
 بس کن ما امید و حرمان
 زانکه هر کس مرده راه بود
 گل خوشبختی وطن روید
 بنده یک به یک گوید ز کار
 شو نویسد از تیر و حبس
 متحد شو بلای درد نفاق
 ملتی کامیاب شد به جان
 در دنا امید و دولت
 بر درود و سپاس می باشد
 نغمه چشم خلق جز خیزد
 ملتی شد ز یوغ خصم رها
 چون خلقی تو از طریق وفا

خون بده خون مجرای آزادی
 بست خود در فدای آزادی
 در پناه نوای آزادی
 قدرت آسیای آزادی
 نیست کس آشنای آزادی
 روز و شب، اقدای آزادی
 بست در امتحان آزادی
 نزد دانا بنای آزادی
 تا توانی شنای آزادی
 جان بده رونمای آزادی
 سر کند خم به پای آزادی
 از سر شاخه های آزادی
 دست مشکل کشای آزادی
 بست آخر سرای آزادی
 دور کن بادوای آزادی
 که پوشد روای آزادی
 هر کس گوید بجای آزادی
 تا قیامت سزای آزادی
 از لب جان فزای آزادی
 که دهد جان برای آزادی
 جان بده در هوای آزادی
 در تجرستی نمی نهد